

تأثیر دنیاشناسی در تقوamahوری

طاہره مهدیخانلو^۱

^۱ طلبه سطح دو (کارشناسی)، حوزه علمیه حضرت معصومه (سلام الله علیها) شهرستان خرمدره، استان زنجان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی

چکیده

شناخت و معرفت پایه همه رفتارها و اعمال می باشد، و هر کس بر مبنای تفکرات و شخصیت خود رفتار بروز می دهد. از این رو رفتار درست و تقوا الهی در گروه تصحیح یکسری از شناخت های بنیادی است، مثل خدا شناسی، معاد شناسی، نبوت شناسی و ... است. یکی از شناخت هایی که در تصحیح رفتارها و تقوا مداری اثر فراوانی دارد شناخت صحیح دنیا است. چرا که اگر انسان دنیا را به صورت صحیح نشناسد نمی تواند رفتار درستی در زندگی دنیا داشته باشد، مثل کسی که معنای درست کلاس درس را ندانسته و با محل تفریح اشتباه گرفته و به نبود خوردنی و نوشیدنی در کلاس درس اعتراض کند. در این تحقیق برخی از ویژگی های قرآنی دنیا مثل: گذرا بودن، سرای عمل بودن، سرای پست بودن، سرای همگانی بودن، سرای بازیچه شدن، مطرح شده و تأثیر شناخت این اوصاف بر تقوا مداری مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش ماهیت «نقلی و حیانی» دارد و از گونه تحقیقات «توصیفی و تحلیلی» به شمار می رود. و با روش «کتابخانه ای» و با بهره گیری از «اسناد نوشتاری» و «نرم افزارهای علمی» تدوین یافته است.

واژه های کلیدی: دنیا، شناخت دنیا، دنیا شناسی، تقوا، تقوا محوری.

مقدمه

دنیا یکی از هفت مرحله زندگی بشر (عالم ذر، صلب پدر، رحم مادر، دنیا، برزخ، قیامت، بهشت و جهنم) است، دنیا دارای اوصاف و ویژگی های بسیار زیادی است، دنیا را به صورت کامل و با تمام ویژگی ها، آفریننده آن می شناسد، از این رو بهترین و صحیح ترین راه شناخت دنیا رجوع به قرآن (کلام آفریننده جهان) و روایات (نمایندگان آفریننده جهان) است، در قرآن اوصاف بسیار زیادی درباره دنیا (مثل: گذرا بودن، کم بودن) مطرح شده است، شناخت این اوصاف باعث تصحیح افکار و اصلاح بخشی از جهان بینی می شود، و از آن جایی که رفتارها در گروه و منوط به بینش ها هستند، وقتی افکار و باورها اصلاح شوند، در اصلاح رفتارها نقش مهمی خواهند داشت. و اصلاح رفتار به معنای تقوای الهی است، چرا که تقوای الهی یعنی انجام دادن رفتارهای نیک و پرهیز از رفتارهای زشت و ناشایست، و تقوا و اصلاح رفتارها و عبادت محض الهی هدف اساسی خلقت انسان توسط خدا می باشد.

از آن جایی که اصلاح جهانی بینی (مبدا شناسی، معاد شناسی، دنیا شناسی و ...) به عنوان اولین و مهمترین قدم برای تقوا و حرکت به سوی هدف خلقت است، اهمیت و ضرورت این پژوهش روشن می شود، چرا که دنیا شناسی بخشی از جهان بینی هر شخصی را تشکیل می دهد، آیا شخص دنیا را خانه همیشگی می داند یا خانه سفر، آیا خانه لذت گرایی و جزاء می داند یا خانه عمل، و ... همه این نوع اندیشه ها بخشی از جهان بینی شخص را تشکیل می دهند، و این جهان بینی شخص است که به رفتارهای او جهت و سمت و سو می دهد.

در باره شناخت دنیا و همچنین درباره تقوا تحقیقات فراوانی انجام شده است، ولی درباره «تأثیر دنیا شناسی بر تقوا مداری» تحقیق و پژوهشی یافت نشد.

۱. مفهوم شناسی

در این تحقیق با توجه به عنوان مقاله دو واژه «دنیا» و «تقوا» مورد مفهوم شناسی قرار می گیرد:

۱-۱. دنیا در لغت

دنیا، مؤنث «أدنی (نزدیکتر)» از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ، صفت واقع می شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ، صفت واقع می شود. ابن فارس در معنای ریشه کلمه «دنیا» می نویسد: «دال و نون و واو (دنو)، به معنای نزدیکی است، و از همین ریشه است کلمه "دنی" به معنای "نزدیک"، از "دنا" "یدنو"، و دنیا را به خاطر نزدیک بودنش "دنیا" نامیده اند». (ابن فارس، ۱۰۴، ج ۲ ص ۳۰۳). دنیا را از آن جهت دنیا نامیدند که دنیا زمان نزدیک و آخرت دور و متاخر می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص: ۲۷۲).

۱-۲. تقوا

تقوا از ریشه «وقی» به معنی نگهداری است. تقوا یعنی اینکه انسان خود را از آنچه می ترسد محافظت کند. و در شریعت به معنای خویشترنداری در برابر گناه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص: ۸۸۱). بنابراین تقوا در معنای لغوی خود به معنی محفوظ داشتن خود و پرهیز کردن است. (قرشی، ۱۴۱۲ ج ۷، ص: ۲۳۶). یعنی انسان در دنیا خود را از گناهان نگهداری کند تا در آخرت از عذاب های الهی نگهداشته شود.

۲. تأثیر دنیا شناسی بر تقوا

بین باورها و رفتارها رابطه عمیقی وجود دارد، هر انسانی بر مبنای تفکرات و شخصیت خود رفتار بروز می دهد، چرا که باور انسان مقدمه ای برای رفتارهای شخص خواهد بود، چنانچه قرآن در این باره می فرماید: «بگو: هر کس طبق روش (و نیت) خود عمل می کند». (اسراء: ۸۴).

و به قول معروف: از کوزه همان تراود که در اوست.

بنابراین بین اصلاح باورها و تقوای الهی رابطه مستقیمی وجود دارد، اگر کسی به یک سری از باورهای درست برسد، و به آنها ایمان پیدا کند و از عمق وجودش آنها را باور داشته باشد و با آنها زندگی کند، نسبت به خدا اطاعت پذیرتر خواهد شد، چنانچه قرآن، مومنین را به تقوای الهی معرفی کرده و از این رهگذر رابطه باور عمیق و ایمان را با تقوای الهی مورد توجه قرار می‌دهد: «سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم!» (نور: ۵۱).

بنابراین می‌توان گفت: رابطه عمیقی بین دنیاشناسی و رفتار ما وجود دارد، چرا که دنیادوستی و دنیا گرایی ریشه بسیاری از گناهان است، چنانچه در روایتی از پیامبر اسلام (ص) درباره دنیا دوستی آمده است: «دوستی دنیا سر رشته تمام گناهان است و کلید تمام بدیهاست و سبب تباه شدن هر خوبی می‌باشد». (دیلمی، ۱۴۰۸، ص: ۳۴۰).

همچنین در روایت دیگری پیامبر گرامی (ص) با تشبیهی زیبا رابطه دنیا گرایی و نافرمانی از خدا را اینگونه بیان می‌فرماید: «آیا کسی هست که بر روی آب راه برود و پاهایش خیس نشود؟». گفتند: نه، ای پیامبر خدا! فرمود: «همدم با دنیا نیز چنین است. او از گناهان به سلامت نمی‌ماند». (بیهقی، ۱۴۲۱، ج ۷ ص ۳۲۳ ح ۱۰۴۵۷).

بنابراین وقتی ما دنیا را صحیح بشناسیم، تعامل درستی با دنیا داشته و طبیعتاً وقتی رابطه ما با دنیا صحیح شد، در رفتار ما نیز اثرگذار خواهد بود، بنابراین شناخت دنیا به عنوان ریشه گناهان، می‌تواند در تقوای الهی و گناه گریزی انسان نقش مهمی را ایفا کند. چنانچه در روایتی حضرت علی (ع) رابطه دنیا شناسی و زهد گرایی را اینگونه بیان می‌فرماید: «کسی که دنیا را بشناسد، زهد ورزد». (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۹، ح ۲۴۴۰).

دنیا اوصاف بسیار مختلفی دارد، و شناخت هر وصفی از دنیا در تقوای الهی مؤثر است، منتها شناخت برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های دنیا در این راستا می‌تواند نقش آفرینی بیشتری داشته باشد:

۱-۲. سرای گذر

دنیای سرای گذر و فناء است و این معنی در قرآن حکیم به طور فراوان صریح یا کنایه‌ای مطرح شده است، مثلاً قرآن مجید می‌فرماید: «برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود». (الأعراف: ۲۴)، و در روایت بسیار متعددی همین معنی ذکر شده به عنوان نمونه حضرت علی (ع) فرمودند: «ای مردم دنیا خانه گذر و آخرت خانه همیشگی است، پس از گذرگاه برای خانه دائمی توشه بگیرید». (طبرسی، ۱۳۸۵، ص: ۲۶۹).

برای تبیین سرای گذر بودن دنیا، در روایات اسلامی دنیا به چیزهای زود گذر متعددی تشبیه شده است، مثلاً:

۱. دنیا به «پل» که محل گذر و عبور است تشبیه شده است، چنانچه امام علی (ع) فرمودند: «چه میکند با مال و فرزند کسی که از دنیا بیرون میرود و بر آنها حسابش را میکشند برهنه وارد دنیا شدید و برهنه از آن بیرون می‌شوید همانا دنیا پلی است از آن بگذرید آن را پشت سر اندازید». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲، ص: ۱۹).

۲. دنیا به «استراحت گاه موقت» تشبیه شده است، چنانچه ابن عباس گوید: «عمر بر پیغمبر (ص) وارد شد دید که حضرتش بر حصیر نشسته و حصیر بر پهلوی اش اثری نهاده. عمر گفت یا رسول الله چه خوب بود فرش و تشکی برای خود می‌گرفتی، پیغمبر (ص) فرمود: مرا با دنیا چه کار، مثل من و مثل دنیا نیست مگر مانند کسی که در روزی گرم از تابستان به سفر میرود و در زیر سایه درختی ساعتی استراحت میکند و بعد برای همیشه آنجا را ترک می‌گوید». (طبرسی، ۱۴۱۲، ص: ۲۵).

۳. همچنین دنیا به «استراحت گاه موقت» تشبیه شده است، چنانچه پیامبر (ص) می‌فرماید: «مردم در دنیا به منزله میهمانانند و آنچه از لوازم دنیا در دست آنهاست امانت است و بالأخره میهمان باید کوچ کند و امانت هم رد شود. آگاه باشید

دنیا سفره‌ای است گسترده که خوب و بد از آن می‌خورند و آخرت وعده‌ای است راست که حاکم در آن سلطان عادل مسلطی است. پس خدا رحمت کند آن کس را که در باره خود بیندیشد و تهیه قبر خود را در حال آزادی و اختیار ببیند پیش از آن که زندگانی او تمام شود و مدت آرزوهای او به پایان رسد و در آن وقت دیگر پشیمانی به او نفعی نرساند». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ب ۴، ص: ۲۳ و ۲۴).

معرفت به «سرای گذر» بودن دنیا و تقوای الهی رابطه مستقیمی دارند. به عنوان نمونه اگر به انسانی بگویند برای یک دفعه یا در مدت محدودی کاری را انجام بده، انجام دادن چنین کاری برای انسان ساده‌تر است از انجام دادن کاری که همیشه و دفعات متعدد باید انجام پذیرد. بنابراین وقتی بدانیم و باور کنیم که دنیا محل گذر و عبور و نابود شدنی است، و همیشگی نیست، راحت‌تر سختی اطاعت را تحمل خواهیم کرد. همچنین توجه به این نکته که سختی عبادت و اطاعت الهی بعد از انجام باقی نخواهد ماند، همچنانکه لذت گناه بعد از انجام آن از بین خواهد رفت، انسان را در تقوای الهی از خدا استوارتر می‌کند. از این رو در روایتی امام صادق (ع) با توجه به رابطه گذرا بودن دنیا و تقوای الهی، می‌فرماید: «بر دنیا شکبیا باشید زیرا ساعتی بیش نیست، آنچه گذشته است پس درد و شادی برای شما نمانده، و آنچه هنوز نیامده پس نمی‌دانی چه خواهد بود، همانا زندگی تو همان ساعتی است که در آن هستی پس در آن ساعت در راه فرمانبری خدا شکبیا باش و از نافرمانی خداوند (بگریز و) صبر نما». (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۲، ص: ۴۵۴، حدیث ۴).

از طرفی دیگر مقایسه مدت زمانی سختی دنیا با لذت آخرت برای مؤمنان، و مقایسه مدت زمان لذت دنیا و عذاب شدید اخروی برای کافران و گناهکاران، انسان را به تقوای الهی سوق می‌دهد. چنانچه از امام صادق (ع) روایت شده است: «یقیناً اهل حق، پیوسته در شدت (اطاعت و بلاء) و سختی هستند. اما این شدت در مدت کوتاهی (یعنی دنیا) است، و در مقابل، عافیت و آسایش طولانی (یعنی بهشت جاوید) است». (شهید ثانی، بی تا، ص: ۱۲۵).

در مقابل آخرت سرای جاودانگی است. و انسان با خانه موقت و خانه همیشگی خود برخورد یکسانی ندارد، کسی که یک سال در خانه‌ای مستأجر است، هزینه زیادی را از جیب خودش برای تزیین خانه اجاری (مثل: لوستر، نقاشی و رنگ کاری و ...) صرف نخواهد کرد، ولی معمولاً شخص برای خانه شخصی خودش هزینه بیشتری را برای استحکام و تزیین خرج می‌کند. این در حالی است که خانه شخصی دنیوی انسان خانه همیشگی و ابدی نیست، بلکه حداکثر تا پایان عمر انسان خانه اوست. ولی آخرت محل استقرار و جاودانگی و بقاء است، چنانچه قرآن می‌فرماید: «این زندگی دنیا، تنها، کالایی [ناچیز] است، و در حقیقت، آخرت است که سرای ماندن است». (غافر: ۳۹).

شناخت آخرت با ویژگی جاودانگی انسان را بر آن می‌دارند، که سرای همیشگی خود را با انجام واجبات آباد کرده و با مستحبات تزیین کنیم و با حرامات و شبهات آن را آلوده و زشت نکنیم، از این رو طبق روایتی حضرت علی (ع) با تأکید با سه مقوله «فناء دنیا»، «بقاء آخرت»، و «شاهد ورزی» دستور به اطاعت ورزی می‌دهند: «دنیا [در حقیقت]، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای قرارگاهتان توشه بگیرید و پرده‌هایتان را در نزد کسی که رازهای شما را می‌داند، ندرید. و پیش از اینکه بدن‌هایتان از دنیا بیرون برده شود، قلب‌هایتان را از دنیا بیرون ببرید، در دنیا زنده شده (و) زندانی شدید) و برای آخرت آفریده شدید». (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص: ۱۱۰، مجلس ۲۳، ذیل حدیث ۸).

۲-۲. سرای عمل

دنیا محل عمل است و نه محل پاداش و زندگی حقیقی، از این رو قرآن دنیا را خانه عمل و آخرت را خانه پاداش معرفی می‌فرماید، و نعمت‌های بهشت را در قبال رفتارهای دنیوی دانسته و می‌فرماید: «(در بهشت) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در آیام گذشته (یعنی دنیا) انجام دادید». (الحاقه: ۲۴).

از این رو دنیا در روایات تشبیه محل کار تشبیه شده است، مثلاً:

۱. دنیا به محل کار و اجرت گرفتن تشبیه شده است، چنانچه از امام صادق (ع) روایت شده است: «در آنچه لقمان پسرش را پند داد این بود که: همانا تو (در دنیا) بنده اجیری هستی که به کاری گمارده شدی و مزدی بر آن نوید داده شده، کارت را به پایان رسان و مزدت را دریافت کن و در این دنیا چون گوسفندی مباش که در کشتزار سبزی افتد و بخورد تا فربه شود و مرگش در فربهی او فرا رسد». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص: ۱۳۴ و ۱۳۵، حدیث ۲۰).

۲. دنیا تشبیه به «بازار» شده است، چنانچه از امام سجاد (ع) فرمودند: «دنیا بازار آخرت است و نفس تاجر و بازرگانست و شب و روز سرمایه و بهشت سود و استفاده‌ی این تجارت و دوزخ زیان و ضرر این تجارت است. بخدا تجارتی که کسادى ندارد و سرمایه‌ای که زیان ندارد خدا جمع کرده است». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص: ۵۹).

۳. دنیا به میدان مسابقه تشبیه شده است، در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است: «بدانید که امروز، روز آماده‌سازی (خودسازی) است و فردا، [روز] مسابقه. بدانید که جایزه این مسابقه، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده]، آتش است». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص: ۵۱۶، ح ۱۴۸۲).

۴. همچنین دنیا به عنوان مزرعه و کشتزار آخرت مطرح شده است، چنانچه حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «دنیا، کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن، شیرینی و تلخی، و بدی و خوبی می‌کارند. خوبی، در روز حسابرسی، فراجامی سودمند دارد و بدی، در روز درویدن، رنج و شقاوت به بار می‌نشانند». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص: ۵۱۰ و ۵۱۱).

همه این تشبیه‌ها بدان معنی هستند که ما به دنیا آمَدیم که اجیر به عبادت و اطاعت خدا بوده و با اطاعت خدا آخرت را خریده و اعمال نیک کشت کنیم تا در آخرت جایزه این مسابقه بزرگ را بگیریم. بنابراین دنیا تنهاترین جایی است که می‌توانیم در آن آخرت خود را آباد کنیم و برای مزرعه آخرت گندم خیر بکاریم، و برای آخرت مسابقه دهیم، جان و مال خود را بفروشیم و آخرت خود را بخریم. پس به دنیا اینگونه بنگریم متوجه خواهیم بود که کارگر در محل کار فقط کار می‌کند و در کنار کار زندگی هم می‌کند. از همین رو در پی اطاعت از خدا و ترک معصیت الهی خواهیم بود تا در این مزرعه و بازار سود ببریم. بین شناخت دنیا به این شکل و تقوای الهی رابطه مستقیم هست، از این رو در روایات متعددی به این ارتباط اشاره شده است، به عنوان نمونه در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «این دنیا است که پشت کرده، می‌رود، آن آخرتست که رو کرده می‌آید، هر کدامشان فرزندان و داوطلبانی دارند، اگر بتوانید از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید بجا آورید، زیرا شما امروز که زنده‌اید در محیط عمل و کار هستید و حسابی ندارید و فردا که مرید حساب شما کشیده می‌شود و فرصت کار نیست». (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱ : ص ۵۱، حدیث ۶۲).

همچنین روایت شده که امیر المومنین (ع) در نامه‌ای به معاویه بن ابی سفیان می‌فرماید: «اما بعد دنیا تجارت خانه است که گروهی در آن سود کرده و گروهی زیان کردند، پس خوشبخت کسی است که سرمایه اش کارهای شایسته باشد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۳ : ص ۸۴ و ۸۵، حدیث ۴۰۰).

اساساً محل کار با محل استراحت یکی نمی‌تواند باشد، در محل کار وسائل کار بوده و وقتی به محل کار رسیده شروع به کار می‌کنیم، اما در محل استراحت وسائل راحتی و خورد و خوراک و خواب وجود داشته و حتی نوع پوشش ما در محل کار با محل زندگی متفاوت است. بی‌شک دنیا سرای امتحان، و محل کسب ثواب و دریافت رحمت است، از این رو پر از آفات و شهوات و تکالیف است، تا بندگان خود را در آن به طاعت بیازماید، اما آخرت محل پاداش دهی و زندگی نهایی است و هیچ گاه سرای عمل نمی‌تواند سرای جزا و ثواب باشد.

در مقابل دنیا، آخرت سرای پاداش و جزا است. یعنی آخرت بر مبنای پندار و گفتار و کردار دنیوی ما ساخته می‌شود، یعنی آنگونه که در دنیا زندگی کردیم در آخرت پاداش داده شده و زندگی خود را ادامه می‌دهیم، در دنیا به خود قالب و صورت داده و در آخرت با آن زندگی می‌کنیم، مثل جنین و دنیا، به آن شکل و جنسیتی که در شکم مادر تشکیل یافتیم در دنیا زندگی خواهیم کرد، با این تفاوت که در شکم مادر شخص در قیافه و جنسیت خود اختیار ندارد و از سویی دیگر در دنیا

امکان تغییر قیافه و جنسیت وجود دارد، اما در رابطه با دنیا و آخرت باید گفت که انسان در دنیا با اختیار خود شکل معنوی خود را نقاشی کرده و در آخرت اجازه هیچ گونه تغییری را ندارد. بنابراین دنیا چنین آخرت است، چنانچه جای جای قرآن حکیم بهشت و جهنم را پاداشی برای رفتارهای دنیوی ما مطرح می‌فرماید: «مسئلاً (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ، و محل بازگشتی برای طغیانگران! مدتهای طولانی در آن می‌مانند! در آنجا نه چیز خنکی می‌چشند و نه نوشیدنی گوارایی، جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون! این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)! چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، و آیات ما را بکلی تکذیب کردند! و ما همه چیز را شمارش و ثبت کرده‌ایم! پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! مسلماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است: باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال، و جامه‌هایی لبریز و پی‌پی (از نوشیدنی‌هایی پاکیزه)! در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی! این کیفری است از سوی پروردگارت و عطیه‌ای است بر مبنای محاسبه». (نبا: ۲۱-۳۶).

دنیا خانه اتفاق است، یعنی در دنیا ممکن است شخصی بیشتر از شایستگی خود را به دست آورد، و یا شخصی آنچه شایسته‌اش نیست نصیبش شود، مثلاً: انسان فاسدی که که از راه دزدی و فساد در خوشی زندگی کند، و انسان پاکیزه‌ای که دیگران به وی ستم کرده و در سختی زندگی کند. اما آخرت خانه‌ای است بر مبنای رفتاری دنیوی ما و بر مبنای شایستگی هر کس، چنانچه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «احوال دنیا، تابع اتفاق است و احوال آخرت، تابع شایستگی است». (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۸، حدیث ۲۶۹۰).

اگر به ما بگویند: رفتار فلان روز شما در دادگاه به صورت کامل مورد بازرسی و محاسبه و تنبیه و تشویق قرار خواهد داد، در رفتار آن روزمان بسیار دقت خواهیم کرد، چرا که تک تک حرکات و سکنتات ما زیر نظر دوربین به قاضی عادل ریزبین ارائه شده و مورد محاسبه قرار می‌گیرد. از این رو طبق روایتی حضرت علی (ع) در نامه خود به «محمد بن ابی بکر» می‌فرماید: «دنیا سرای آزمایش [و عمل] است و آخرت، سرای سزا دیدن و خانه ماندگاری است. پس برای آنچه ماندگار است، کار کن و از آنچه نابود می‌شود، روی بگردان و [در عین حال،] بهره‌ات از دنیا را فراموش مکن». (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۶۸، مجلس ۳۱، حدیث ۳).

در این حدیث شریف «خانه پاداش بودن» و «خانه همیشگی بودن» آخرت خمیر مایه توصیه به رفتار نیک و تقوای الهی قرار گرفته است.

۲-۳. سرای پست

کلمه «دنیا» در قرآن، یک‌صد و یازده بار در «زندگی پیش از مرگ» به کار رفته است که شصت و نه بار آن، پس از لفظ «حیات» است. دنیا اسم تفضیل از «دنو» یا «دنی» است، یعنی پست‌ترین یا نزدیک‌ترین محل زندگی، دنیا واقعاً دنیا است. در روایات دنیا توصیف به «الدُّنْيَا الدِّنْيَةُ» شده است. (سید رضی، ۱۴۱۴، ص: ۱۸۷، خطبه ۱۲۹). در روایتی حضرت علی (ع) در وجه تسمیه دنیا می‌فرماید: «دنیا را بدان جهت دنیا نام نهاده‌اند که از هر چیزی پست‌تر (یا پایین‌تر یا نزدیک‌تر) است». (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص: ۲، ب ۱، حدیث ۱).

از این رو در روایات اسلامی زندگی دنیا به چیزهای پست و بی‌ارزشی تشبیه شده است:

۱. دنیا به «مدفوع انسان» تشبیه شده است، مثلاً در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «دنیا برای فرزند آدم، مَثَل زده شده است. پس بنگر که از فرزند آدم، چه خارج می‌شود، هرچند [خوراک را] خوش‌مزه و نمکینش کند و [به این که] به چه تبدیل می‌شود». (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۱۴۹).

۲. همچنین دنیا به «استخوان خوک در دست جذامی» تشبیه شده است، چنانچه شیخ صدوق (ره) از حضرت علی (ع) نقل می‌فرماید: «هر آینه دنیای شما در نزد من، از برگی که یک ملخ در دهانش می‌جود، بی‌ارزش‌تر، و از استخوان خوکی که یک

جذامی به دور می‌افکند، کثیف‌تر، و از حنظلی که یک بیمار در دهان می‌چرخاند و با نفرت آن را تُف می‌کند، به مذاق جانم تلخ‌تر است». (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص: ۶۲۳، مجلس ۹۰، حدیث ۷).

۳. همچنین دنیا به «آب بینی بز» تشبیه شده است، چنانچه در نهج البلاغه آمده است: «دنیای شما نزد من بی ارزش‌تر از آب بینی بز است». (سید رضی، ۱۴۱۴، ص: ۵۰، خطبه شقشقیه).

۴. همچنین دنیا کمتر از «بال پشه» ارزش دارد، چنانچه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه‌ای می‌ارزید، جرعه‌ای آب به کافر مخالف نمی‌نوشتند». (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص: ۳۲).

در تمام مراحل زندگی (ذر، صلب پدر، رحم مادر، دنیا، برزخ، قیامت، بهشت یا جهنم) دنیا تنها مکان و مرحله‌ای است که معصیت و نافرمانی خدا امکان پذیر است، چنانچه در روایتی امام علی (ع) درباره پستی دنیا می‌فرماید: «به درستی که از خواری دنیاست بر خدا این که خدا مورد عصیان واقع نمی‌شود مگر در آن، و رسیده نمی‌شود آنچه نزد اوست مگر به ترک آن». (سید رضی، ۱۴۱۴، ص: ۵۴۴، حدیث ۳۸۵).

بنابراین وقتی بدانیم دنیا پست‌ترین محل زندگی است، کرامت خود را به خاطر این دنیای پست، آلوده به بدی‌ها و نافرمانی خدا نخواهیم کرد. مثل کسی که لباس زیبا و مجلسی پوشیده و به خاطر کار بی ارزش لباس زیبایی خود را که به زودی با آن به مراسم بزرگی ورود پیدا خواهد کرد، آلوده نمی‌کند.

لذت‌های کوچک در کنار لذت‌های کوچک گم می‌شوند، همچنین دردهای کوچک کنار دردهای بزرگ دیده نمی‌شوند، مثلاً کسی که به سینه‌اش گلوله‌ای اصابت کرده به خار کوچکی که به پایش فرو رفته توجهی نخواهد داشت. دردها و لذت‌های دنیا در مقابل دردها و لذت‌های آخرت بسیار خرد و ناچیزند، چرا که دنیا در تمام ابعادش در مقابل آخرت بسیار ناچیز است، چنانچه قرآن مجید با مقایسه دنیا و آخرت می‌فرماید: «آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست!» (توبه: ۳۸).

در مقابل دنیا، آخرت سرای عظیم و بزرگی است. آخرت به گونه‌ای وسعت و عظمت دارد، که دنیا با تمام وسعت و امکاناتش در مقایسه با آخرت به اندازه‌ای حقیر و خرد است، که می‌توان آخرت را به دریای بی‌کران تشبیه کرد و دنیا را نمی‌توان از این دریا دانست، چنانچه طبق روایتی پیامبر اکرم (ص) در مقایسه دنیا و آخرت فرمودند: «دنیا در مقایسه با آخرت، جز مانند این که فردی از شما یکی از انگشتانش را در دریا فرو ببرد، نیست. پس، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می‌گردد (دنیا در برابر آخرت، به اندازه این نم است در برابر دریا)». (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص: ۴۴۰).

انسان همیشه شایسته این است که بزرگترین و بهترین‌ها را داشته باشد، بنابراین اگر کسی آخرت را با عظمت و بزرگی و دنیا را با حقارت بشناسد، برای رسیدن به آن عظمت و بزرگی از این دنیای حقیر یقیناً خواهد گذشت، و تنها راه رسیدن به آن عظمت «تقوای الهی از خالق آخرت» است.

۲-۴. سرای همگانی

بهره مندی از دنیا در قرآن برای مومن و کافر مطرح شده است، یعنی مومن و کافر، خوب و بد، همه و همه در دنیا از نعمت‌های الهی بهره‌مند خواهند شد، و فقط مومنان در آخرت از نعمت‌های الهی بهره‌مند خواهند شد، چنانچه قرآن کریم درباره بهره‌گیری نیکوکاران و بدکاران از دنیا می‌فرماید: «اینکه: از پروردگار خویش بطلبید، سپس بسوی او بازگردید، تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان)، به خوبی بهره‌مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش (در آخرت) ببخشد». (هود: ۳).

در یک جشن وقتی به همه غذا می‌دهند ولی قرار است فقط به برخی‌ها جایزه ارزشمند تعلق گیرد، انسان زیرک بیشترین همتش را صرف به دست آوردن جایزه خواهد کرد، چرا که غذا همگانی بوده و کم و بیش به همه تعلق می‌گیرد. در مقایسه

دنیا و آخرت، دنیا امری همگانی بوده و مؤمن و کافر، بدکار و نیک رفتار، همه و همه از نعمت های آن بهره مند هستند، اما نعمت های آخرت فقط برای نیکان و صالحان است، از این رو باید نیابت همت خود را برای به دست آوردن نعمت های آخرت به کار ببندیم چرا که جایزه اختصاصی همان نعمت های آخرت است، چنانچه در حدیثی از پیامبر کرامت (ص) آمده است: «خدای متعال دنیا را به دوست و دشمنش می دهد، اما آخرت را جز به کسی که دوستش می دارد، نمی دهد». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص: ۲۱).

هیچ مسلمانی منکر لزوم تلاش برای دنیا و زندگی دنیا نیست، بلکه دستور به تلاش روزی شرعاً واجب و عقلاً لازم است، منتها سخن در این است که آیا باید همه توجه و همتان را مصروف دنیا کنیم یا اینکه بیشترین تمرکز و تلاشمان را برای آخرت صرف کنیم؟

۲-۵. سرای بازیچه

هیچ عاقلی لذت خیالی را بر شیرینی لذت واقعیت ترجیح نمی دهد، خواب هر چقدر هم شیرین یا دردناک باشد خواب است، به محض بیداری از بین می رود. وقتی از خواب وحشتناکی بیدار می شویم می گوئیم: شکر خدا خواب بود نه بیداری. یعنی زندگی خیالی دردش قابل تحمل تر و لذتش گذارتر از واقعیت است. حالا اگر بخواهیم زندگی دنیا و آخرت را با هم مقایسه کنیم، لذت و درد واقعی در زندگی حقیقی آخرت است، و دنیا در برابر آخرت مثل بازیچه است، چنانچه قرآن عزیز می فرماید: «این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی [حقیقی]، همانا [در] اسرای آخرت است، اگر می دانستند». (عنکبوت: ۶۴).

از این رو در روایات دنیا به «خواب» و آخرت به «بیداری» تشبیه شده است، چنانچه در روایتی امام سجاد (ع) می - فرمایند: «دنیا خواب است و آخرت، بیداری، و ما (در فاصله) میان این دو، خواب هایی آشفته می بینیم». (ورآم، ۱۴۱۰، ج ۲ ص ۲۴).

و در تشبیهی دیگر دنیا همچو سایه ای برای آخرت است. نزد اهل معرفت دنیا با بزرگی و عظمتش چون سایه است که خود حقیقت مستقلی نیست، بلکه گویای یک حقیقت است، چنانچه این نکته ناب در روایتی از امام سجاد (ع) آمده است: «همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند، در خاوران و باختران زمین از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش، در نزد هر یک از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص: ۳۹۱).

طبیعی است هیچ عاقلی برای دیدن خواب شیرین بیداری خود را تلخ نمی کند، و حاضر نیست لذت واقعی را با لذت خیالی عوض کند. بنابراین شایسته است برای رسیدن به لذت واقعی آخرت و نجات از عذاب و درد آن، از لذات خیالی خود در دنیا عبور کنیم.

نتیجه

با توجه به اینکه شناخت و معرفت پایه همه رفتارها و اعمال می باشد، رفتار صحیح در گروه معرفت صحیح است، در این تحقیق بعد از بحث مفهوم شناسی پنج ویژگی (سرای گذرا بودن، سرای عمل بودن، سرای پست بودن، سرای همگانی بودن، سرای بازیچه بودن) مهم دنیا در قرآن و روایات مطرح شد و تاثیر آنها در تقوا مداری بررسی شد.

وقتی دنیا را به عنوان سر گذر بشناسیم و بپذیریم بیشترین همت خود را برای سرای ماندگار مصروف خواهیم کرد. و وقتی دنیا را به عنوان سرای عمل بشناسیم و باور داشته باشیم در دنیا برای آخرت تلاش خواهیم کرد. و وقتی دنیا را زندگی پست و آخرت را زندگی حقیقی و والا بدانیم بیشتر همتان آخرت خواهد بود. و وقتی بدانیم دنیا همگانی (برای صالحان و طالحان) است ولی زندگی زیبای آخرت فقط برای نیکان است سعی خواهیم کرد در زندگی اختصاصی بهره بیشتری داشته

باشیم. و وقتی بدانیم دنیا سرای بازیچه است کمتر همتان را مصروف آن خواهیم کرد. به عبارت ساده شناخت دنیا با این پنج ویژگی باعث میشود همت بیشتری نسبت به آخرت داشته و توجه مان به دنیا کمتر شود و این به معنای تقوا مداری است.

منابع:

قرآن کریم

۱. آمدی، عبد الواحد تمیمی، (۱۳۶۶ش)، **تصنیف غرر الحکم و دُرر الکلم**، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ: اول.
۲. ابن شعبه حرّانی، ابو محمد حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق)، **تحف العقول عن آل الرسول ص**، مؤسسه انتشارات اسلامی/ قم، چ: دوم.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، **معجم مقاییس اللغة**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم مصری، (۱۴۱۴ ق)، **لسان العرب**، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۵. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۲۱ ق)، **شعب الایمان**، دار الکتب العلمیه/ بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۰۸ ق)، **أعلام الدین (فی صفات المؤمنین)**، مؤسسه آل البيت ع/ قم، چ: اول.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، **إرشاد القلوب إلى الصواب**، الشریف الرضی/ قم، چ: اول.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه.
۹. سید رضی، محمد بن حسین شریف، (۱۴۱۴ ق)، **نهج البلاغه**، انتشارات دار الهجره/ قم، چ: اول.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، (بی تا)، **مسکن الفؤاد عند فقد الأحبه و الأولاد**، بصیرتی/ قم، چ: اول.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۲ ش)، **الأمالی**، انتشارات کتابخانه اسلامی، چ: چهارم.
۱۲. // // (۱۴۰۳ ق)، **الخصال**، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ: دوم.
۱۳. // // (۱۳۸۵ ش)، **علل الشرائع**، انتشارات کتاب فروشی داروری/ قم، چ: اول.
۱۴. // // (۱۴۱۳ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ: سوم.
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ ق)، **الأمالی**، کنگره شیخ مفید/ قم، چ: اول.
۱۶. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، (۱۳۸۵ ق)، **مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار**، انتشارات کتابخانه حیدریه/ نجف اشرف، چ: دوم.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، نشر مرتضی/ مشهد، چ: اول.
۱۸. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، **مکارم الأخلاق**، انتشارات شریف رضی/ قم، چ: چهارم.

۱۹. علامه مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء/ بیروت، چ: دوم.
۲۰. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، (۱۳۷۵ ش)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، انتشارات رضی/ قم، چ: اول.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ ش)، الکافی، دار الکتب الإسلامیه/ تهران، چ: چهارم.
۲۳. ورام، بن ابی فراس، (۱۴۱۰ ق)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، انتشارات مکتبه فقیه/ قم، چ: اول.